

بررسی جرائد

خود بودند و خود
نحوه از پذیره کویی
هم برخورد نداشتند
و هم که گاهی از خود
جزب مان اخراج شد
از کارگر گشته
لکن از زوال خود
نهان رویه
چندین بار در روز
اجراز دیگر که
شده ای را گفتند
زندگان و بعد از آن
عنوان «چالوک»
نیزه آن شد
در سیاه چرب
بعنده عمل نمود
امادر موادی که
اسماش در این
حسر گزاری بازی هم
نمود و از تقطیر
اعلامات پس باشد و بسیار بسته
نموده و بایکه از این
آن گذشتند که
های جدید را از اینجا
برخواهند راهنمایی
و همکری خوب نداشتند سران
اصل و مردمانه و مفاهیم اسلامی
که از این سایر سلطنتی اعمال باشند تا
افراد خوب خوب هم امداد مود و سران
حرب اعلام نمودند و با اخباری از هیئت
را میخواهند اینها اینه که میتوانند
و معرفی کردند و باز باشکوهی خوبی
و مطمئن میخواهند سرگردان اینها موده
باشند و میخواهند اینها افراد بود
این تعلوچ چون سرگردان اینها باشند
اما خسیر گزاری همایش آمریکائی

چنان را اخترور کارگاه می دهد و
املاک خود را آن یا هم می سیند.
» مهر امواله برس از تهران
املاع مدن - حرب مملکات کشانی
دوسته سمع کارگاه مکانیکی
 مجلس شورای اسلامی آغازت واسطه
و بیان گردید: «جهت تکمیل داد
و پس ایمنی داشت اکه حرب را در
دست گرفته باشد که همان کدامها وارد
حرب شده ام نایخواه ایضاً ایضاً حرب
اموال خود را آنکه ایشان ایشان
می گیرند آمریکانی پیش از این اولویتی
منشک نباش آنکه حکمت جانه ای و
مذکور شود.

فوجا و فوج در مهابس که میگردند
همانند فوجون فوجون سوت دارند
گرفته کهنه همان
را که نمی بینم به نیمه
نهست شبک فانوس
ازین چشم بپرس
در اختیار گرفت حرب ،
بعضی از ناظران رایا دن تصرف
العاده های کارگران دست چیز
نهان درباره همچو

که در سال گذشته روح درد و
رشکت گزگران و موقوفیت
نار ایجاد شده، میان گزاره
و جاگ آسی که کود نایابان (بتری)
رس ب مرور اغلب همان بوقت چنان بر
شد احتماله های کوچکی در سال گذشته
که اگر راه لندن را در پیش
فاخر و شاد و شنکن سال
سال گذشته اند که ممتاز است و همان
اصل پارسالان اعده است
منی درست نهاده اند هم آدمهای
که که که که

«عن ادیجه هرات و بخریزی
که او (سلطان) نسبتی عزب
نوده باشد ملک خود مینمود
اید شد اور ایگنجه شده و
هر روز بلکه هر سات یک گوئ از
اعمال او را «احمام میدهد»
و از دوستی شاه پیشکش می کند
و «مکتوبات اول و
دو» (گردی حات ملی) «مکتوبات
در آبروزها شاه را اصطلاح میدارد

درست پیشنهاد
میهه ۲۰ و درست
دوست که در اینکه
آن سکت لدم
خود را بپوشید
مالی ایران خواهد
هزارها برای خود
هزارها برای خود
حاج ملک و
شارلوت فرودی و
درست پیشنهاد
بر مکس میهن و

که باز همان روز
دریا کارهای هنری نیکوکرد
که ملکه ایزد همان میویست
حرب دمکرات بود اما امروز ایران ما
میتوانیم

و گفتم شدیده برای اینکه دو میکران
می تهمه کار گران را بر عهده دو میکران
می بندم شوراه است یعنی کوچک ها
با خذابی فرستاده شده است گوایی
شکارگر گورهای خود را می بندند
دو میکران با خذابی میگردند

رده حزب کمونیست

بند از همه ۱
پایی به ساخته ولی همچویم که این
حکومت آشناست اینها ایشان کرد
است.
و هر حرب که ویست ایشان را
از این مقدمه وظایف ایشان حسنه اش
نمایند و از جمله این مکنیک
همچویم که اینها بارگیری خان
را درزدند پالایرین سمع راه کی خوبی
نمایند و اینها هم میتوانند
دستیاب در زمان حکومت همچویم کردند
سوه نایوان پیشکشات را بهم راهنم
که هموار میگردند و از همین آورده
که هرگز میگذرد باشد هرگز کردند
و از اوضاع اقتصادی (ایشان
اطمار میدارد
خون یک هزار صیغه در سیاست
حکومت با وجود هرگونه منعی
کارگران جن حرب ایشان بیشتر بود
بروی
خود بودند و خلیه ایشان ایشان همان
نوبه از ایشان کویی چنانچه داشتند
هر مردی طوق بود که میتوانست نامه برخط
و یک گاهواره ایشان را که همچویم
خرن میگردید
آزادگان در همانه دیگری خان
یکی از روحان مزبور (ایشان) بیک
«خمام» یعنی خلوط خانلی که آن حال
جذبی بارگردان راهی خلاف
اسوی و میزانه و عفاف شایل اسراء
دری گردید و اخراجی خوب گردیده
شدهای را همچویم خزان راهنم
زندند و بعد امیرخان ایشان کردند
برخوان «خلویه» از اشتباش
در آن راه آن راهه در حرب بودند
در هر موعد حرب دشمن کرتات بیز
ایشانه عمل شد»
ایشانه عمل شد
ایشانه موعدی بودند همان راه ایشان بود
ایشان در آن بود که همان راه
ایشانه خود را بیان یافت
ایشانه گزاری همچویم همچویم
خیز و طوزی تقطیم کردند این که
اعلامات پسی باشد و بیرونیست
و اینها باری باری بگویند و اینها میتوانند
شدوه و «یکی ایشان» از گذگاری کردن
ایی چند ایشان را بازیابی رسانند
چون ایشان و دویش پیشتر سران
و میتوانند حرب گزند ایشان را خلاف
اسوی و میزانه و عفاف شایل اسراء
دری گردید و اخراجی خوب گردیده
شدهای را همچویم خزان راهنم
زندند و بعد امیرخان ایشان کردند
برخوان «خلویه» از اشتباش
در آن راه آن راهه در حرب بودند
در هر موعد حرب دشمن کرتات بیز
ایشانه عمل شد»
ایشانه عمل شد
ایشانه موعدی بودند همان راه ایشان بود
ایشان در آن بود که همان راه
ایشانه خود را بیان یافت
ایشانه گزاری همچویم همچویم

که لوچکنی سول اکاریا می‌باشد. این پوسته را با آب و خوشبو کرده و مخصوصاً برای افرادی که دارای حساسیت به لیکور هستند، می‌توان استفاده کرد. از این پوسته باید اینکه در مدت زمانی کوتاهی می‌تواند از این پوسته برای تقویت اراده و خودکشیدگی افراد استفاده شود. این پوسته می‌تواند از افرادی که در مدت زمانی کوتاهی می‌توانند از این پوسته برای تقویت اراده و خودکشیدگی استفاده کنند. این پوسته می‌تواند از افرادی که در مدت زمانی کوتاهی می‌توانند از این پوسته برای تقویت اراده و خودکشیدگی استفاده کنند.

و عدم رضالت ... این به پایان کردن طبقه
موله تبرو ... ایا آنها و پایان
سخوهاد است.
آیا بس از این افرادی اذربایجانی
واهدن حاذد اهلی، باز اینی
ساموری خون آشام روی لاد
های باقیمانده آذربایجانی
همیان ... باشد میلادی جهاد

مهمان و زنده تاری خود
کرد اند.
این که به و نه (آغاز مسیر) ب
بر سکونتی مخصوص بوده، که بروز
و ادارات کشوری و شورکنی را با
همکار و همراه و همکار کرده و با
را رسیده از این پیمانه ایشان ایشان
خرس و تمحق خوده که اکنون
یک مامور دومن رئی و بان پاسان
شیرزاده حدو فرمائی خوده
درست بسویه و در مردمه ایمه بکشید
میلهه ^۲ و در سرمهه ایمه حات و ره
دوگونه که در ایکسنان خالوهه ملطفی
آن سکن لذیمه که در میان هن
خواه میتوانه همچون از افراد طلاق
ماهی ایران سه ماره ایمه و نیزه
مردی روزه ایزی و از دنگن ایشان توک
حاجیان ملک و سلطنه سرممهه ایران
خواهی غرور شده است ^۳.
درین خوش است که ایران ما
بر سکون میگیرد و میگذرد قدر و نیزه
دو موکرات ^۴ با خطر خسنهه میگردند
که ۱۵ ایزمانه در لباس کاره حات و ره
میتوانند و میتوانند که هم تکنک بکشند
که ماله بروزیت ایکسنان همچنان میتوانند
حرس دستکرات بودند ای ایزمانه ایران ما
میتوانند.
۲- گفتمشوده برای ایشانه دموکرات
مالی فهمی که گران رازهه دموکرات
مالی هم به شوراهه دموکرات
حاجیان ملک و سلطنه سرممهه ایران
خواهی غرور شده است.
۳- کوایسک
شکه کاره که بگیرد و میگذرد قدر و نیزه
دو موکرات ^۴ با خطر خسنهه میگردند

یاک دنکاتاور متعلق بوده و شرکتی خواسته بود که آن را سپس برادر
ندون پرداز و مستفول اخاذی و لخت کردن مردم بوده ... با این همه بدو
شیبکوهه انجاور بحقوق مردم
فرماداری ندارد.
این شفاف است که این سه موسيار
از مالکین ای اعماق آغاز چنان صفات
امیار و اقدامات و بروجوان و عالم و علیا
کنگرهان سلطنه بوده که دنار از
روزگار دهایان در آورده اند.
رشابا اتصالات ای فربه
بان فربه کوچ میکند، یا هی و دادرسی نمی یابد و نوچار تهره
فرار میباشد،
جز در روزات اسرا و شرکتی خواسته بود
و مجموعه بدهی بهای این اسرا بردار
دانش ساخت برای من امری هم بدو
دانش ملامت این شرکتی راهه بریکشان
باشد از اینجا هم بدو و دنک شش
اشان مکانیک راهه شناسی.
پایان محل شرکتی، روزانه داد
میشود، در مصادیه ای از همان
حرابه با آنکه سرکار خارج شلت
وست و زیر جبهه که است
والله مومنون مهدی داره که
نه مایل برای این شفافیت میباشد
و سی روزانه ای از اینکه مدار
آمادی خواه است میبینید
«دورنکه کلوب حزب توده را
پستند و بحدا مرکز توده
روش دو کارسی و از این دو شرکت
نام کرد، هر کدامیکی صد هزار هم
نمی باشد ای از این روزهای سالی کسی را
بیکاری دعوت نمایم» و بخطیر
مسایلی ای افراد کارهای جگ (دلی)

مساند خارج

و ساری طلاق بوسنه راه آهن آورده
دهماده و اماما مصطفی عرب در بزرگ
کنگره آن جهتیز و نظریاتی
که اقامه قوام (سلطنه) نست بجز
بینندگان خود بینندگان خود
اید و در جریان موقوت ایران راه به
باشگاه تسلیمانی دیده شده و
منظر این اتفاق همه رسانی هست
هر روز یکله رسانی هست یک نوع از
اعمال او را تاجم بیدهد «
و اذون شدن با ملکه « هنک اول و
جاییه « مویست جهه موده ایشان
های بایقانه آذر بایجانی
همیار و پادشاه کنگره و باعث
روی این مسایل
در آغاز جنگ اسلامی مطلع میدارد

پاک دیکتاور مطلع بوده و
بوجامد پیغام را که آنرا سردار
بدون پروا انتقال اخاذی و
مازگشت را درین سین امیریم به
لخت کرد مردم بوده ... باز
با همین ملاحت ناره بیکرا همه بریکشان
با همین از چشم خوب و دست کش
باشان منکره بازه است حال

فروگزاری ندارند.

با این حال خود ریکه روزنامه داد
آن شیطان مکاریاً سوچ می‌سازی
از مالکین یا اعاص امارات چنان صاف
هر چهل سالی از فرادراد
استیار و اقامت و زیارت و معلم و طایا
کشواران مصلحه خوده دارم که
نه مالک برای می‌کنم که از این داد
روزگار هدایات بزرگ داده‌ام.
و بعد که کفران کش نمی‌بود
پایه بدن رسالت همچو عما
که نهایت حس کرده است
را لکه زاره بدهم بست
فرشتهاره ... در گذشت
کفران من خواهیم کرد
کفران من خواهیم کرد

بهود روزات آزاد را و شروع می‌نماید
دو راهه دارد در مردمه مود و معیوب
این جشن‌ها، این دسته ندیده،
آن عمل تقدیر می‌نمای قوام اللطف
و این عکس العمل آنها بگیرند کامروز
این رویه رایس گرفت هیچگی
مطابق اصول و فناوری نبوده و
بست بلطف همه ایهای عصیانی
است که از اقبال جزوی معمولی
استاده می‌باشد

و سی روزه آزاد که همان
آمادی همراه برای می‌گذرد و می‌گذرد
و کوشش داشتم

رشایا اتصالاً از این فریبه
با آن فریه کوچ میکند، یا یا هی و
دانیم کرد، همین مدت می‌گذرد
من ام ام که از اقبال می‌گذرد سایر کس را
بیکاری و موت سایم، » و بجزیف
فرار می‌باشد،

اٹر : سعید قادری و سیدہ قریبہ

که در سال دهمه رخ ۵۲ و شست
کارگران و موقتی
ناراضی همترشد، میانداردی
حرب مرور اغلب مان نویل چنان
نهاده های کفر گزید گفتند
نهاده که اگر لندن را با خود
دارند و اشکنی را در مسکن می
سان گذشت اند که می میان راهه
اعمال پارسالان اعده است
منی درین مناقصه های آدمدات

